



خواهر شهید

گفت‌وگوی «جوان» با خواهر و برادر شیخ شهید علی محسنی بوشهری

یک عمر درس طلبگی خواند تا در دانشگاه جبهه قبول شود

■ زینب محمودی عالمی

شهید شیخ علی محسنی سال ۱۳۴۲ در روستای دور افتاده انارستان ریز از شهرستان کنگان بوشهر در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. پدر و جد او روحانی و اجدادش نیز ملبس به لباس مقدس روحانیت بودند. آیت‌الله شهید دستغیب در داستان ۵۲ و ۴۱ کتاب داستان‌های شگفت از حاج شیخ محمد شفیع محسنی جمی، پدر بزرگ شهید، مطالبی نقل کرده و از او به نیکی یاد شده است. عجیب نیست از آن خاندان با کرامت، فرزندی شهید تقدیم انقلاب اسلامی شود. آنچه در پی می‌آید هم‌کلامی‌مان با شهربانو محسنی خواهر و محمد محسنی برادر «شیخ شهید علی محسنی بوشهری» است.

د

شیخ علی از همان کودکی اهل مسجد بود. از همان موقع می‌رفت مسجد می‌گفت می‌خواهم بروم نماز شب بخوانم. ظرف مدت یک ماه قرآن ختم داد. از کودکی رفتار و برخوردش خیلی فرق می‌کرد. دوران طلبگی چیز کمی به عنوان شهریه می‌دادند که آن را هم به افراد مستحق کمک می‌کرد

کنگان رفت و دنباله‌های جامعات را نزد استاد شیخ عباس عاشوری ادامه داد. در آنجا هم مورد لطف و عنایت استاد قرار گرفت و در میان طلاب الگو و نمونه شد. بالاخره مقدمات را در محضر استاد عاشوری به پایان رسانید که انقلاب شکوهمند اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی آغاز شد.

گویا آیت‌الله شهید دستغیب از پدر بزرگ شما در کتاب داستان‌های شگفت یاد کرده؟

بله. مرحوم محمد شفیع محسنی جمی پدر بزرگم بودند که حدود ۵۴ سال پیش به رحمت خدا رفتند. ایشان ۴۰ زیارت دوره‌ای به عتبات عالیات داشتند و تعداد زیادی از مسافران هایش را با شهید دستغیب همراه بود. آن زمان وسیله‌ای اینجا نبود و با اسب و قاطر به شیراز می‌رفتند و از شیراز با ماشین می‌رفتند. پدر بزرگم از روحانیونی بود که در امور شرعی، وعظ، سخنرانی و هدایت مردم خیلی نقش داشت. محل تولدشان جم بود. جم با شهر انارستان ۴۰ کیلومتر فاصله دارد. شرح حال مرحوم پدرم و پدر بزرگ‌مان حاج شیخ محمد شفیع جمی در کتاب داستان‌های شگفت شهید دستغیب در داستان ۵۲ با عنوان روایتی صادقانه آمده است. شهید دستغیب در داستان ۴۱ (انتقام علوی) هم از پدر بزرگ‌مان می‌گویند. ضمن اینکه با ایشان از نظر زهد و تقوا یافت داشتند. مرحوم پدر بزرگ ما در مقطعی از عمرش در نجف مشغول تحصیل حوزوی بودند. پدرم هم با دو برادر در نجف مشغول درس بودند و بعد از پایان درس به ایران آمدند. مرحوم پدر بزرگ ما در شهر انارستان به عنوان روحانی و مبلغ منطقه مشغول شدند و در همین شهر سکونت کردند.



یادکرد



نگاهی به زندگی شهید حسین اجاقی به مناسبت سالروز شهادتش در اول آبان

روز ولادت امام حسین (ع) به دنیا آمد و شب عاشورا آسمانی شد

■ آرمان شریف

حسین زینب‌ترین نام برای شهیدی است که در روز ولادت امام حسین (ع) پا به دنیای خاکی و فانی گذاشت و در شب عاشورا با شهادتش جاودانه شد. شهید حسین اجاقی نام ماندگاری در تاریخ دفاع مقدس است. شیر مردی زاده اردیبهیل که با تمام وجود در جبهه‌ها جنگید و در راه دفاع از وطن آسمانی شد.

■ پیرو راستین امام حسین (ع)

حسین در اواخر آبان ۱۳۴۵ به دنیا آمد. از قبل قرار بود نام نوزاد تازه متولد شده را کیوان بگذارند ولی پدر و مادر و بستگان با نگاهی به تقویم متوجه یک تقارن مهم شدند. آن روز سالروز ولادت اقامام حسین (ع) بود و این مناسبت از همه چیز برای خانواده زیباتر بود.

هنگامی که در حال خواندن نام بچه در گوشش بودند، اشک در چشم یکی از اقوام حلقه زد و با دیدن نوزاد چنین گفت: «به لحظه دلم رفت به کربلا! ان‌شاءالله حسین از پیروان راستین امامش باشه.» همه آمین گفتند و سرفه‌انداختند. حسین در محله سیدآباد اردبیل بزرگ شد و بچه‌های محل و همسایگان دوستش داشتند. پسر مؤبد وی آزاری بود و از همان کودکی امام حسین (ع) را با تمام وجود دوست داشت. قرآن را در کودکی نزد پدر بزرگش آموخت و هفت ساله بود که در دبستان هفتان مشغول تحصیل علم شد. دوران ابتدایی به سرعت برقی و یاد گذشت. حسین، حالا بزرگ شده و رفت‌وآمدش به مسجد بیشتر شده بود.

■ دستکاری شناسنامه

مکتب امام خمینی و پیروزی انقلاب روحیه مذهبی و دینی حسین را بیشتر از قبل کرد. اول دهه شصت از مسجد حاج میرصالح و مسجد اوچ دکان، در قسمت امانت کفش خدمت می‌کرد و در پایگاه جزو بسیجیان فعال بود و در کلاس تفسیر قرآن آیت‌الله مسائلی و حجه‌الاسلام قرائتی شرکت می‌کرد.

د

گردان تخریب کارش را شروع می‌کند و حسین جلوتر از بقیه با مهارت خاصی مشغول انجام مأموریت می‌شود. پنجوین، آخرین مقرر می‌شود که تخریبچی‌ها به آن جا رسیدند. حسین، وارد میدان مین شد. عراقی‌ها متوجه شدند و شروع به تیراندازی کردند. تیرها به سینه حسین نشست و مانند امام و مقتدایش در ماه محرم، به خواسته دلش رسید و شهید شد. اول آبان ماه ۱۳۶۲ روزی بود که روح حسین، به امامش پیوست و آسمانی شد.

چند سال با برادر شهیدتان تفاوت سنی دارید؟ ایشان از چه زمانی وارد حوزه علمیه شدند؟

من متولد سال ۱۳۴۴ هشتم و برادرم سال ۱۳۴۲ به دنیا آمد. با شهید دو سال اختلاف سنی داشتیم. برادرم در سن شش سالگی به مدرسه رفت و قرآن را در مکتب‌خانه ختم داد. شهید دوران راهنمایی را تمام کرد، سه سال حوزه علمیه کنگان بود و بعد به شیراز رفت. جزو برترین‌ها بود. می‌گفت باید به جبهه بروم. باهوش و درس‌خوان بود و به خانواده خیلی احترام می‌گذاشت. پدرم روحانی بود و مادرم هم از خاندان روحانی بود. در مجموع ۱۲ خواهر و دو برادر که یک برادرم شهید شد.

شهید فعالیت انقلابی هم داشتند؟

برادرم از همان ابتدای بحث انقلاب، در راهپیمایی‌های علی طاقوت شرکت می‌کرد. تا اینکه انقلاب اسلامی پیروز شد. می‌گفت باید به جبهه بروم و گویی می‌دانست شهید می‌شود. علی همیشه سفارش احترام به والدین‌مان را می‌کرد. می‌گفت ناشکری نکند و حجاب را رعایت نکند. مردم و همسایه‌ها را راضی نگه دارد و نگویید من چرا به جبهه رفتم. شهید به خاطر صداقت و پاکی که داشت، حرف‌ها و سخنرانی‌هایی که داشت تأثیر گذار بود و خصوصاً روی جوان‌ها خیلی اثر داشت.

برادر شهید

گویا روحانیت در خانواده شما امری موروثی است؟

من خودم شغل کشاورزی دارم اما پدر و آباء و اجداد ما هم از طرف مادری و هم پدری روحانی منطقه بودند. پدرم تحصیل کرده نجف بودند. حدود ۱۶ سال در نجف درس خواندند. ما اصالتاً اهل استان بوشهر شهرستان جم و شهرستانستان هستیم. انارستان در ۲۳۰ کیلومتری بوشهر است. حدود ۶ هزار نفر جمعیت دارد که بخش ریز ۳۰ شهید را تقدیم انقلاب کرده است.

پس پیشینه دینی و مذهبی در انتخاب راه شهادت برادرتان اثرگذار بود؟

برادرم شهید شیخ علی محسنی تحت تأثیر پدر مرحومم حجت‌الاسلام حاج میرزا احمد محسنی رضوان‌الله‌علیه‌قرار

طراحی:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۶۰۴

۵	۷		۴
۶	۷		۲
	۹		۳
		۴	
۵		۳	
۸		۲	۱
	۸	۱	
	۳		۲
	۶		۱
۹	۶		

جدول سودوکو

ارقام ۹ تا ۹ اطوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۶۶۰۲

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶
۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴
۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳
۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲
۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱
۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹
۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸
۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷
۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰	۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶
۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵

از راست به چپ

- ۱- علم‌النفس - دارای اجر و پادش نیک ■ ۲- فرار کردن - از نام‌های خدا ■ ۳- ویتامین جدولی - وزیران - دری که همیشه از سوی خداوند به روی گناهکاران باز است - شاه شاعرانه ■ ۴- زیرانداز خفته - خطاب بی ادبانه - ماه تمام - پدر بزرگ اردشیر بابکان ■ ۵- بازاری قدیمی و دینی در شهر شیراز - پول نیجر - ظنین ■ ۶- خارشتر - زمان دافنه دو موریه - نهی شاعرانه از آمدن ■ ۷- علامت جزر در ریاضی - درنده جنگلی - نماد لاغری ■ ۸- ماه هفتم سربانی - مجسمه ■ ۹- تشریح انار - اقامتگاه گردشگر - نیاز فراموشکاران ■ ۱۰- الفبای تلگراف - طبیعی - جزیره نفت و گاز ■ ۱۱- رگ گیاه - مرکز استان چهارمحال و بختیاری - جزیره‌ای در خلیج فارس ■ ۱۲- پس مانده مصالح ساختمانی - رمق آخر - پیسوند خوراک - تاس وارونه ■ ۱۳- عدد مهاجم - از اسامی دختران - نمایشنامه‌نویس آمریکایی خالق همه پسران من - جنس به ظاهر قوی ■ ۱۴- امام باقر علیه‌السلام آن را ویران کننده ایمان بر شمرده‌اند - مایکروویو ■ ۱۵- دروغ آذری - منطقه‌ای در استان فارس

از بالا به پایین

- ۱- واکنشگاه فرهنگستان - خذلان ■ ۲- بدبهی و روشن - شهری در بلژیک ■ ۳- اسم آذری - زحل - مجلس اعیان - سرای مهر ■ ۴- ناسازگار - سارد پایتختش بود - مایه نشاط و خرمی ■ ۵- خشمگین - زندگی کردن - شتر تندرو ■ ۶- دعای بد - واحد اندازه گیری حرارت - زمین شوره‌زار ■ ۷- پدر آذری - شهری نزدیک کاشان - ماندنی ■ ۸- آفت گندم - نشانه تیر - قانون مغولی ■ ۹- کندر - از ورزش‌های رزمی - از نمازهای واجب ■ ۱۰- درخت انگور - کالای نو - انعام ■ ۱۱- زندان - خاصالن خدا در زمین - کاشف قاره آمریکا ■ ۱۲- به شک و گمان افکندن - سیزی خورشیدی - جایز شایسته ■ ۱۳- یادگان تهران - جوهر - ضربه شروع در والیبال - از ما بهتران ■ ۱۴- پرندۀ ترازونشین - چه غریبانه رفتند از این خانه ■ ۱۵- نیاز نوجوانان و جوانان برای هدایت‌شدن - املاچی در شیعی